

عوامل مؤثر بر موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط زراعی و باغی شهرستان زابل

غلامعباس ملاشاهی^{۱*}، شاپور ظریفیان^۲ و ولی اله سارانی^۳

۱، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه تبریز

۲، دانشیار گروه ترویج و توسعه روستایی دانشگاه تبریز

۳، عضو هیأت علمی دانشگاه زابل، گروه ترویج و آموزش کشاورزی

(تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۳۰ - تاریخ تصویب: ۹۳/۱۲/۱۲)

چکیده

تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش‌شناسی توصیفی-همبستگی می‌باشد که با هدف شناسایی عوامل تأثیرگذار در موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط زراعی و باغی شهرستان زابل انجام گرفت. جامعه آماری شامل مدیران ۱۱۳ کسب و کار بود که از سال ۱۳۸۵ تا پایان سال ۱۳۸۹ از محل تسهیلات احداث بنگاه‌های کوچک و متوسط در زیربخش‌های زراعت و باغبانی در روستاهای شهرستان زابل اقدام به تأسیس این کسب و کارها کرده بودند. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان تعداد ۸۶ کسب و کار تعیین شد که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها و اطلاعات به صورت اسنادی و میدانی صورت پذیرفت. در بخش میدانی، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد و از طریق مصاحبه حضوری با مدیران این کسب و کارها تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق رگرسیون چندگانه به روش گام به گام با استفاده از نرم‌افزار SPSS19 انجام گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که تجربه کار کشاورزی مدیران این کسب و کارها، تعداد اعضای خانوار مدیر، میزان وام دریافتی برای احداث کسب و کار، تحصیلات مدیر، سن مدیر، تعداد نیروی کار مشغول در کسب و کار، فاصله محل کسب و کار تا شهر و مقدار سطح زیرکشت بر موفقیت این کسب و کارها تأثیر معنی‌داری داشتند.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، کسب و کار کوچک و متوسط، کشاورزی، موفقیت، شهرستان زابل.

مقدمه

گرفت که کارآفرینی روستایی راهکاری جدید در نظریه-های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در راستای دستیابی به توسعه پایدار است.

امروزه در نظریه‌های اقتصادی، به فعالیت‌های خودجوش اقتصادی در قالب کارآفرینی در مناطق روستایی توجه ویژه می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه

از شاخص اشتغال‌زایی را به خود اختصاص داده‌اند (Alizade Marznaki, 2008).

این کسب و کارها در ترکیه، ۹۹/۸ درصد از کل بنگاه‌ها را تشکیل می‌دهند. ۷۶/۷ درصد از کل اشتغال، ۳۸ درصد از سرمایه‌گذاری‌ها را به خود جذب کرده ولی تنها ۵ درصد از اعتبارات بانکی را استفاده می‌کنند (Karpak & Topcu, 2010). در ایران نیز طی مطالعه‌ای که مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در سال ۱۳۸۷ انجام داد مشخص گردید که با وجود آن‌که ۹۹ درصد بنگاه‌ها کوچک و متوسط می‌باشند، تنها ۱۷ درصد ارزش افزوده صنعت متعلق به آن‌ها است (Nasehifar et al, 2010).

در مجموع می‌توان گفت توسعه‌ی اقتصادی هر کشوری تا حد زیادی به موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط آن کشور وابسته است (Kia, 2006)، زیرا در یک جمع‌بندی کلی می‌توان فعالیت این بنگاه‌ها را در چند بعد مهم و ارزشمند تلقی کرد: در بعد اجتماعی، بنگاه‌های کوچک و متوسط راه پیشرفت افراد را باز می‌گذارند. در بعد سیاسی، این کسب و کارها ساختار سیاسی را اصلاح می‌کنند و از تمرکز قدرت در شهرهای بزرگ جلوگیری به عمل می‌آورند. از لحاظ اقتصادی، کسب و کارهای کوچک و متوسط از عمده عوامل ایجاد اشتغال محسوب می‌شوند. از نظر فردی نیز، کسب و کارهای کوچک و متوسط زمینه را برای توسعه فردی و تخصصی و ایجاد افق‌های روشن حرفه‌ای فراهم می‌آورند. بدین ترتیب این گروه از بنگاه‌ها سهم بسزایی به اقتصاد رقابتی، پویا، مبتنی بر دانش و نیز توانایی رشد مداوم، ایجاد شغل و تحکیم انسجام را دارند (Ibid).

در این میان، کشاورزی از بخش‌های پایه و اساسی اقتصاد روستا و کشور و زمینه‌ساز رشد و توسعه‌ی آن است. رشد و توسعه‌ی بخش کشاورزی زمینه‌های لازم برای رشد و توسعه‌ی دیگر بخش‌ها را فراهم می‌سازد و بدون آن، عوامل و نهاده‌های لازم برای فعالیت سایر بخش‌های اقتصادی فراهم نمی‌شود. از سوی دیگر، اشتغال و نیروی انسانی در توسعه کشور و دستیابی به رشد و توسعه‌ی اقتصادی با تکیه بر کاهش بیکاری و اشتغال‌زایی در بخش کشاورزی دارای جایگاهی ویژه

یکی از راه‌های مطرح در ریشه‌کنی بیکاری، کسب و کارهای کوچک و متوسط است. در واقع هسته اصلی فرآیند حرکت جوامع، حرکت به سوی یک اقتصاد رقابتی، ایجاد بخش خصوصی، توسعه کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط می‌باشد. از جمله کارکردهای منحصر به فرد این کسب و کارها، اشتغال-زایی، توزیع ثروت در جامعه، توسعه‌ی مناطق حاشیه‌ای، تأمین تولیدات مورد نیاز کشورها، تربیت نیروی انسانی مورد نیاز صنایع و کسب و کارهای بزرگ است. امروزه کسب و کارهای کوچک و متوسط علاوه بر کارکردهای پیشین خود، کانون اصلی توسعه کشورها به حساب می‌آیند و حمایت‌های گسترده‌ای توسط مؤسسات دولتی و عمومی از آنها به عمل می‌آید (Khoshnodifar et al, 2010).

بررسی سهم کسب و کارهای کوچک و متوسط در میزان اشتغال، ایجاد ارزش افزوده و تولید ناخالص داخلی کشورها در جهان حاکی از آن است که بیش از ۹۵ درصد کل اشتغال ایجاد شده متعلق به این نوع کسب و کارها است. به عنوان مثال، تا سال ۱۹۹۸، در ۲۱ کشور عضو پیمان اپک حدود ۴۰ میلیون کسب و کار کوچک و متوسط وجود داشتند که بین ۳۰ تا ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشورها و بیش از ۸۰ درصد اشتغال را ایجاد می‌نمودند (Hajji & Pasebani, 2009). در اروپا، بیش از ۱۶ میلیون شرکت وجود دارد که کمتر از یک درصد آنها را شرکت‌های بزرگ تشکیل می‌دهند و بقیه شرکت‌های کوچک و متوسط می‌باشند. شرکت‌های کوچک و متوسط ستون فقرات اقتصاد منطقه آسیا-اقیانوسیه بوده و ۹۰ درصد شرکت‌ها بین ۳۲ تا ۴۸ درصد اشتغال و بین ۶۰ تا ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای این منطقه مختص شرکت‌های کوچک و متوسط می‌باشند. عملکرد اقتصاد ایالات متحده در سال‌های اخیر تا حد زیادی مدیون ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسطی است که ۴۳ درصد

¹ Small and Medium Enterprises

² Asia-Pacific Economic Cooperation

مطالعه‌ای که به بررسی عوامل تعیین کننده رشد بنگاه‌های کوچک در رومانی پرداخت، مشخص نمود که تأمین مالی، سرمایه انسانی، کمک‌های فنی و محیط کسب و کار به عنوان عوامل اصلی رشد بنگاه‌های کوچک می‌باشند. همچنین، نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که اعتبارات مهم‌ترین عامل در تشویق و راه-اندازی بنگاه‌های کوچک بوده و نقش فراوانی در اشتغال و فروش بنگاه‌های کوچک ایفا می‌کنند (Brown et al., 2005). در تحقیقی که به بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک از دیدگاه کارشناسان توسعه روستایی پرداخته شد، کمبود سرمایه، نوسان قیمت مواد اولیه مورد نیاز واحدهای کوچک، ضعف مدیریت، پایین بودن میزان تحصیلات در بین متقاضیان راه‌اندازی کسب و کار کوچک در روستا، فقدان انجمن‌ها و تشکل‌های صنعتی فعال و کارآمد و ناتوانی صنایع کوچک روستایی در حضور مستمر در بازاریابی ملی، مهم‌ترین عوامل مؤثر در عدم موفقیت بنگاه‌های اقتصادی کوچک ایران بیان شدند (Aminaghaei, 2009).

در تحقیقی تحت عنوان شناسایی عوامل داخلی مؤثر بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط (Yadollahi et al, 2009) مشخص شد که عوامل مدیریتی، منابع انسانی، ساختار سازمانی، اندازه سازمانی، سیستم‌های سازمانی، بازاریابی و فروش، فن‌آوری و اطلاعات، تحقیق و توسعه، استراتژی‌های شرکت، تولید و عملیات و منابع مالی سازمان بر بهبود عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط تأثیر معنی‌داری داشتند (Yadollahi et al, 2009). در مطالعه‌ای که با هدف توصیف و تبیین عوامل مرتبط به میزان موفقیت مدیران شرکت‌های کوچک صنعتی در شهرستان اهواز انجام شد؛ نتایج حاکی از آن بود که از دیدگاه مدیران شرکت‌های موفق، مهارت‌های فنی مدیر، شاخص مهارت و آموزش نیروی انسانی، شاخص مهارت ادراکی، وضعیت مالی شرکت، مهارت-های انسانی، عوامل زیرساخت شرکت، وضعیت سازمانی و ادراکی و عوامل غیررسمی به ترتیب در موفقیت شرکت‌های کوچک شهرستان اهواز تأثیرگذار بودند (Mehralizade & Sajadi, 2009).

است. به همین دلیل، اتخاذ راهبرد اشتغال برای روستاییان با حمایت از سیاست‌های عمومی بر مبنای راه‌یابی سرمایه‌گذاری، اشتغال و خدمات به مناطق روستایی در برابر راهبرد اجبار مردم به انتخاب مهاجرت-های اغلب ناخواسته از ضروریات توسعه روستایی به‌شمار می‌رود (Shokoei, 2005).

توجه به بخش کشاورزی از طریق گسترش کسب و کارهای کوچک و متوسط می‌تواند تأثیرات فراوانی در بهبود وضعیت کشاورزی و به تبع آن حل مشکلات و مسایل پیش روی روستاییان را موجب شود. نیاز به سرمایه اندک، بازدهی بالا و انعطاف‌پذیری صنایع کوچک و متوسط، توجیه اقتصادی این صنایع را بیش از پیش نمایان می‌کند (Aminaghaei, 2009). براین اساس، راهکار حمایت از گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران که در بخش‌های مختلف اقتصادی، به ویژه بخش کشاورزی از اواخر سال ۱۳۸۴ با قوت بیشتری اجرایی شده است؛ اگر بطور صحیح انجام گیرد، می‌تواند نتایج مثبتی را در حل مسایل اقتصادی ایران داشته باشد.

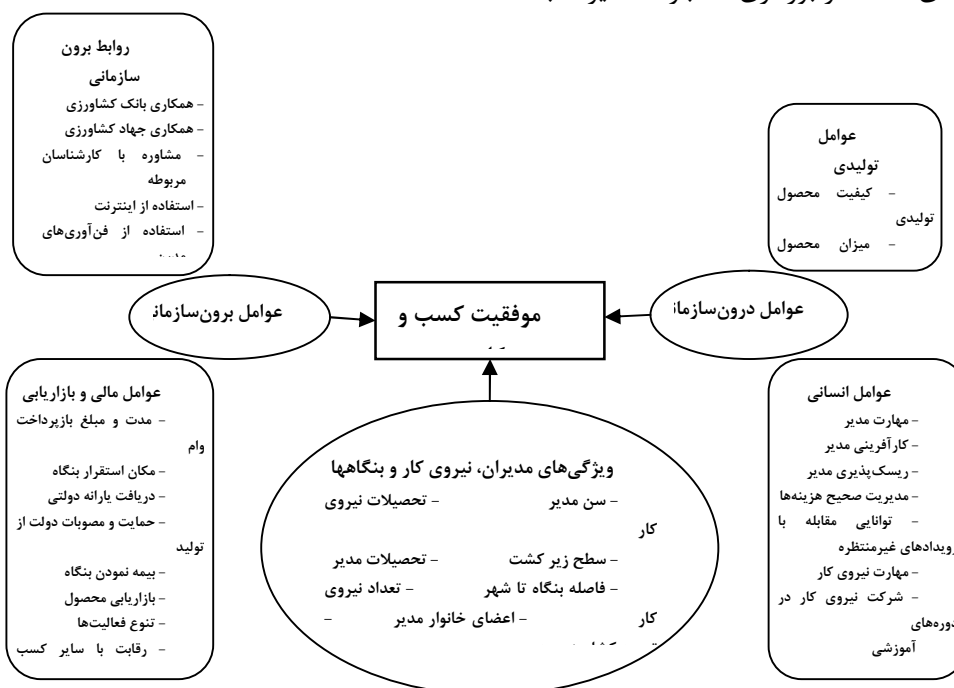
در خصوص کسب و کارهای کوچک و متوسط و نقش آن‌ها در توسعه جوامع و عواملی که بر اثربخشی و موفقیت آن‌ها دخالت دارند مطالعات چندی در بخش-های مختلف در کشورهای گوناگون انجام گرفته که می-توان از آن جمله به موارد زیر اشاره کرد:

Man et al (2002) سه جنبه کلیدی مؤثر بر موفقیت بنگاه‌های کوچک و متوسط را شامل عوامل داخلی، عوامل محیطی خارجی و نفوذ کارآفرین دانسته-اند. علاوه براین، ویژگی‌های شخصیتی، روانی و رفتاری کارآفرین و مهارت‌های مدیریتی و تجربه و دانش فنی به عنوان تأثیرگذارترین عوامل مربوط به عملکرد بنگاه‌های کوچک و متوسط معرفی شدند. در پژوهشی دیگر (Rogoff et al, 2004) ۱۱ عامل در موفقیت بنگاه‌های کوچک شناسایی شدند که عبارت بودند از: ویژگی‌های فردی، مسایل مدیریتی، مسایل مالی، فعالیت‌های بازاریابی، مسایل مربوط به منابع انسانی، شرایط اقتصادی، ویژگی‌های تولید، رقابت، قوانین و آئین‌نامه‌ها، تکنولوژی و عوامل محیطی.

بر اشتغال و سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و بلندمدت این گروه از بنگاه‌ها داشته است اما در صنعت دامپروری مشخص شد که اشتغال در بلند مدت پایدار نبوده و سرمایه‌گذاری در این گروه از بنگاه‌ها طی دوره کوتاه-مدت و بلندمدت همواره روند کاهشی داشته است (Shabanzadeh, 2011).

با توجه به نقش مهم و استراتژیک کسب و کارهای کوچک و متوسط در اقتصاد کشور و بویژه کسب و کارهای کشاورزی در اقتصاد روستایی آن هم در روستاهای مناطق محروم و با توجه به اینکه تاکنون مطالعه‌ای در خصوص بررسی موفقیت اینگونه کسب و کارها و عوامل دخیل در آن در کل کشور کمتر انجام گرفته است؛ در تحقیق حاضر سعی بر آن شده تا عوامل مؤثر در موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط بخش کشاورزی که در زیربخش‌های زراعی و باغی در شهرستان زابل تأسیس شده‌اند، شناسایی شود. لذا، جهت دستیابی به این مهم و با استفاده از تحقیقات صورت گرفته قبلی در این زمینه و مطالعات و مشاهدات محقق، مدل نظری تحقیق به صورت شکل (۱) طراحی شد.

بررسی تأثیر عملکرد بانک کشاورزی و سازمان جهاد کشاورزی در میزان موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط کارآفرین در بخش کشاورزی نشان داد که بین عملکرد سازمان جهاد کشاورزی با میزان موفقیت در کسب و کار کوچک و متوسط رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ اما بین عملکرد بانک کشاورزی و موفقیت کسب و کارها رابطه معنی‌داری به دست نیامد (Khoshnodifar et al, 2010). همچنین، در تحقیقی که با موضوع کسب و کارهای تولیدی کوچک ترکیه برای اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر موفقیت با استفاده از فرآیند تحلیل شبکه‌ای انجام گرفت، مشخص شد که به ترتیب آئین‌نامه‌ها و مقررات (۱۷/۳۶ درصد)، محل تسهیلات (۱/۵۷ درصد)، شدت رقابت (۹/۷۵ درصد) و پیشرفت صنعت (۸/۸۵ درصد) تأثیرگذارترین عوامل در موفقیت کسب و کارها بودند (Karpak & Topcu, 2010). در تحقیقی که ارزیابی عملکرد بنگاه‌های زودبازده به بهره‌برداری رسیده در زیربخش‌های زنبورداری و دامپروری شهرستان بابل که طی سال ۱۳۸۶ به بهره‌برداری رسیده بودند را مورد مطالعه قرار داد مشخص گردید که در میان بنگاه‌های صنعت زنبورداری، اعتبارات تأثیر مثبت



شکل ۱- مدل نظری عوامل مؤثر بر موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط

مواد و روش‌ها

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع تحقیقات کمی و از نظر درجه کنترل متغیرها و قابلیت تعمیم، از نوع تحقیق پیمایشی و به لحاظ اهداف از نوع تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود. جامعه آماری این تحقیق کلیه کسب و کارهای کوچک و متوسط بخش کشاورزی در روستاهای شهرستان زابل که تعداد نیروی کار آنها کمتر از ۵۰ نفر بوده، طی سال‌های ۱۳۸۵ تا پایان سال ۱۳۸۹ از محل تسهیلات گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط وام دریافت کرده و در زیربخش‌های زراعت و باغبانی احداث شده و در زمان انجام پژوهش نیز فعال بودند را شامل شده است. بر این اساس جامعه آماری این تحقیق برابر با ۱۱۳ بنگاه بود که با استفاده از جدول کریجسی و مورگان، تعداد ۸۶ بنگاه به عنوان حجم نمونه مشخص گردید و انتخاب نمونه به صورت تصادفی ساده انجام گرفت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای بود که در اختیار مدیران این کسب و کارها قرار گرفت و از طریق مصاحبه حضوری با آنان تکمیل شدند.

روایی پرسشنامه با نظرخواهی از کارشناسان بانک کشاورزی و مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان زابل انجام گرفت و پس از آن سؤالات مورد بازنگری قرار گرفت و اصلاحات لازم انجام شد. جهت آزمون پایایی ابزار تحقیق نیز، تعداد ۱۵ پرسشنامه به طور تصادفی بین ۱۵ نفر از مدیران خارج از نمونه مورد مطالعه توزیع شد و پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های مذکور، با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ، اعتبار پرسشنامه محاسبه گردید که برای بخش‌های مربوط به عوامل درن‌سازمانی و برون‌سازمانی به ترتیب و برابر با ۰/۷۷ و ۰/۸۲ به دست آمد که برای تحقیق حاضر ضریب مناسبی بود. در تحلیل عوامل مؤثر بر موفقیت کسب و کارها نیز از آزمون‌های همبستگی شامل ضریب همبستگی و رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده گردید که برای انجام این امر از نرم‌افزار SPSS 19 بهره گرفته شد.

متغیرهای مستقل مؤثر بر میزان موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط عبارت از: سن مدیر(سال)،

تحصیلات مدیر(مقطع)، تعداد نیروی کار بنگاه(نفر)، تحصیلات نیروی کار(مقطع)، مقدار سطح زیرکشت(هکتار)، فاصله بنگاه تا شهر (کیلومتر)، تعداد اعضای خانوار مدیر(نفر)، تجربه کار کشاورزی مدیر(سال)، میزان وام دریافتی(ریال)، عوامل درون-سازمانی و برون‌سازمانی بودند. برای به دست آوردن هر یک از موارد فوق به طور جداگانه یک سؤال در پرسشنامه ذکر گردید و برای محاسبه عوامل درون-سازمانی و برون‌سازمانی نیز در قالب طیف لیکرت سؤالاتی مطرح و از حاصل جمع نتایج پاسخگویی به این سؤالات مقدار عددی عوامل درون‌سازمانی و برون-سازمانی مربوط به هر یک از کسب و کارها محاسبه گردید. لازم به یادآوری است که در نهایت همه متغیرهای مستقل موجود در مدل نظری بجز وضعیت مالکیت اراضی (به دلیل داشتن هم خطی) وارد معادله رگرسیونی شدند (مطابق با مدل نظری تحقیق).

جهت محاسبه متغیر وابسته تحقیق (موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط)، شاخص‌های تولیدی و اشتغال‌زایی در نظر گرفته شد و به وضعیت بهبود در هر یک از این شاخص‌ها بعد از تأسیس کسب و کارها پرداخته شد. شاخص‌های تولیدی شامل: مقدار زمین زراعی، مقدار سطح زیرکشت، مقدار تولید غلات، مقدار تولید محصولات جالیزی و مقدار تولید محصولات گلخانه‌ای بود و شاخص‌های اشتغال‌زایی نیز شامل: تعداد نیروی کار و تعداد افراد بهره‌مند از ایجاد این کسب و کارها بودند.

نتایج و بحث

مطابق نتایج به دست آمده، غالب پاسخگویان (۳۸ درصد) در محدوده سنی ۵۰-۴۱ سال قرار داشتند و میانگین سنی جامعه مورد مطالعه نیز ۴۱ سال بود. از بین اعضای جامعه آماری ۲ نفر زن و مابقی مرد بودند. بر اساس میزان تحصیلات باید گفت که ۱۸ درصد افراد مورد مطالعه در سطح فوق دیپلم، ۳۹ درصد در سطح دیپلم، ۱۷ درصد در حد زیردیپلم و ۲۶ درصد بیسواد و کم سواد (در حد خواندن و نوشتن) بودند. از نظر تعداد اعضای خانوار میانگین اعضای خانوار مدیران برابر با ۴/۷ نفر بود. میانگین تجربه کار کشاورزی مدیران ۱۶/۲ سال

یک درصد وجود دارد، اما بین متغیر تحصیلات نیروی کار و موفقیت کسب و کارها هیچ اختلاف معنی‌داری دیده نشد (جدول ۲).

جدول ۲- تأثیر سطح تحصیلات مدیران و نیروی کار بر

موفقیت بنگاه‌ها			
متغیر	میانگین	درجه	کای
	رتبه‌ای	آزادی	اسکویر
سطح تحصیلات		۳	۰/۰۰۰
مدیران	۲۷/۵۰		۳۳
بی‌سواد	۵۲/۱۳		
زیردیپلم	۳۲/۴۲		
دیپلم	۶۴/۵۲		
فوق دیپلم			
سطح تحصیلات		۳	۰/۲۶۴
نیروی کار	۳۹/۱۷		
بی‌سواد	۵۱/۵۰		
ابتدایی	۴۹/۳۰		
راهنمایی	۳۹/۷۳		
دیپلم			

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بررسی همبستگی بین سایر متغیرهای تحقیق و موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط نشان داد که بین سن مدیر، تعداد اعضای خانوار مدیر، تجربه کار کشاورزی مدیر، میزان وام دریافتی جهت کسب و کار و تعداد نیروی کار شاغل در بنگاه با عملکرد این کسب و کارها در سطح یک درصد رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و بین عوامل درون‌سازمانی این کسب و کارها که از حاصل جمع متغیرهای درون‌سازمانی به دست آمده است در سطح ۵ درصد رابطه مثبت و معنی‌داری ملاحظه گردید. علاوه بر این، نتایج نشان داد که بین متغیر فاصله محل احداث کسب و کار تا شهر با عملکرد کسب و کارها در سطح یک درصد رابطه منفی و معنی‌داری وجود داشت (جدول ۳). نتایج بیانگر آن است که افزایش و یا بهبود در مقدار و وضعیت هر یک از متغیرهایی که رابطه مثبت و معنی‌داری با متغیر عملکرد دارند باعث افزایش موفقیت کسب و کارها شده ولی افزایش هر یک از متغیرهایی که رابطه منفی و

بود که بیشترین فراوانی از نظر تجربه کار کشاورزی، بین ۱۰-۵ سال (۳۳ درصد) قرار داشتند. همچنین، متوسط فاصله احداث کسب و کار تا شهر، ۱۷ کیلومتر بود و حداقل و حداکثر این فاصله نیز به ترتیب برابر با ۵ و ۳۲ کیلومتر بود. بیشترین فراوانی کسب و کارها در فاصله ۳۰-۲۱ کیلومتری، و تنها دو بنگاه در فاصله کمتر از ۵ کیلومتری شهر احداث شده بود. بررسی وضعیت بهبود شاخص‌های تعریف شده برای محاسبه کسب و کارها نشان داد که از بین شاخص‌های مورد مطالعه در وضعیت میزان سطح زیر کشت، میزان تولید محصولات گلخانه‌ای، تعداد نیروی کار و افراد بهره‌مند از کسب و کار بهبود افزایش ملاحظه شد و بقیه شاخص‌ها روند ثابتی داشتند (جدول ۱).

جدول ۱- وضعیت شاخص‌های مورد مطالعه بعد از احداث کسب و کار

نوع شاخص	وضعیت	فراوانی	درصد
میزان زمین زراعی	ثابت	۷۸	۹۱/۵
	افزایش	۸	۸/۵
میزان سطح زیر کشت	ثابت	۲۵	۲۹
	افزایش	۶۱	۷۱
میزان تولید غلات	ثابت	۴۳	۵۰
	افزایش	۴۳	۵۰
میزان تولید محصولات جالیزی	ثابت	۷۷	۹۱
	افزایش	۹	۹
میزان تولید محصولات گلخانه‌ای	ثابت	۲۹	۳۴
	افزایش	۵۷	۶۶
تعداد نیروی کار	ثابت	۰	۰
	افزایش	۸۶	۱۰۰
تعداد افراد بهره‌مند	ثابت	۰	۰
	افزایش	۸۶	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

به منظور مقایسه میانگین بین متغیرهایی چون سطح تحصیلات مدیران و تحصیلات نیروی کار بنگاه‌ها با توجه به چند سطحی بودن این متغیرها و همچنین ترتیبی بودن متغیر موفقیت بنگاه‌ها، از آزمون کروسکال والیس استفاده شد. نتایج حاصل از این آزمون نشان داد که بین متغیر تحصیلات مدیران و موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط اختلاف معنی‌داری در سطح

جدول ۳- همبستگی متغیرهای تحقیق با عملکرد کسب و کارها

Sig	ضریب همبستگی		متغیرهای مستقل
	ضریب	نوع	
۰/۰۰۰	۰/۶۳۷**	پیرسون	سن مدیر
۰/۰۰۰	۰/۶۵۶**	پیرسون	تعداد اعضای خانوار مدیر
۰/۰۰۰	۰/۹۲۳**	پیرسون	تجربه کار کشاورزی مدیر
۰/۰۰۰	-۰/۰۳۳**	پیرسون	فاصله بنگاه تا شهر
۰/۰۰۰	۰/۵۷۶**	پیرسون	میزان وام دریافتی
۰/۱۸۶	-۰/۱۴۴	پیرسون	سطح زیرکشت
۰/۰۰۰	۰/۷۴۴**	پیرسون	تعداد نیروی کار بنگاه
۰/۰۴۹	۰/۲۱۳*	اسپیرمن	عوامل درون سازمانی
۰/۲۱۷	-۰/۱۳۴	اسپیرمن	عوامل برون سازمانی

** معنی‌داری در سطح ۱ درصد

* معنی‌داری در سطح ۵ درصد

معنی‌داری با متغیر موفقیت دارند باعث کاهش موفقیت کسب و کارها می‌گردد.

رگرسیون عوامل مؤثر بر موفقیت کسب و کارها

به منظور ارزیابی تأثیر جمعی متغیرهای مستقل بر موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط زراعی و باغی از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد. نتایج حاصله بیانگر آن بود که به ترتیب متغیرهای تجربه کار کشاورزی مدیر، تعداد اعضای خانوار مدیر، میزان وام دریافتی برای احداث بنگاه، تحصیلات مدیر، سن مدیر، تعداد نیروی کار کسب و کار، فاصله محل کسب و کار تا شهر و مقدار سطح زیرکشت وارد معادله رگرسیون چند متغیره گردیدند (جدول ۴).

جدول ۴- ضرایب متغیرهای وارد شده بر معادله رگرسیون

متغیر	B	خطای انحراف معیار	Beta	t	Sig
ضریب ثابت	-۶/۰۳۹	۰/۴۴۳	-	-۱۳/۶۲۲	۰/۰۰۰
تجربه کشاورزی مدیر	۰/۰۷۴	۰/۰۱۰	۰/۳۷۱	۷/۴۳۳	۰/۰۰۰
اعضای خانوار مدیر	۰/۳۳۷	۰/۰۵۲	۰/۲۵۲	۶/۴۱۹	۰/۰۰۰
میزان وام	۰/۰۲۲	۰/۰۰۳	۰/۲۹۹	۸/۵۴۳	۰/۰۰۰
تحصیلات مدیر	۰/۳۰۵	۰/۰۵۷	۰/۱۴۷	۵/۳۰۵	۰/۰۰۰
سن مدیر	۰/۰۴۶	۰/۰۰۹	۰/۱۸۸	۵/۱۵۱	۰/۰۰۰
تعداد نیروی کار بنگاه	۰/۴۲۰	۰/۱۰۶	۰/۱۳۸	۳/۹۶۳	۰/۰۰۰
فاصله بنگاه تا شهر	-۰/۰۳۳	۰/۰۰۹	-۰/۱۰۵	-۳/۶۶۸	۰/۰۰۰
سطح زیرکشت	-۰/۰۶۴	۰/۰۲۳	-۰/۰۷۰	-۲/۷۵۳	۰/۰۰۷
		D.W= ۲/۲۲		R ² =۰/۹۲	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

واتسون استفاده شد. همانطور که در جدول (۴) آمده است آزمون دوربین - واتسون برابر با ۲/۲۲ بدست آمد و از آنجایی که به عدد ۲ نزدیک است، استقلال خطاها نیز تأیید می‌شود.

جدول ANOVA معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را نشان می‌دهد و با توجه نتایج (جدول ۵) معادله رگرسیونی در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد.

همانگونه که جدول (۴) نشان می‌دهد، ضریب تعیین (R²) برای این معادله برابر با ۰/۹۲ می‌باشد که نشان دهنده این است که حدود ۹۲ درصد تغییر متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل وارد معادله شده تبیین می‌گردد. یکی از مفروضاتی که در رگرسیون مدنظر است، استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی شده توسط معادله رگرسیون) از یکدیگر است. به این منظور در این پژوهش از آزمون دوربین -

جدول ۵- نتایج مربوط به سطح معنی داری (ANOVA)

sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	جمع مربعات	
.۰/۰۰۰	۲۷۷/۷	۵۹/۵۱	۸	۴۷۶/۱	برآورد شده
		۰/۲۱	۷۷	۱۶/۴	باقیمانده
			۸۵	۴۹۲/۶	کل

مأخذ: یافته‌های تحقیق

باغی پرداخت که نتایج حاصل از مقایسه میانگین و ضرایب همبستگی مشخص کرد که عوامل مؤثر بر موفقیت کسب و کارهای مورد مطالعه، تحصیلات مدیران این کسب و کارها، سن مدیران، تعداد اعضای خانوار آنها، تجربه کشاورزی مدیران، فاصله محل کسب و کار تا شهر، میزان وام دریافتی، تعداد نیروی کار فعال در این کسب و کارها و عوامل درون سازمانی کسب و کارها بودند.

با توجه به نتایج حاصله از برآورد مدل رگرسیونی گام به گام عوامل مؤثر بر موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط زراعی و باغی، ضریب مثبت برای متغیر تجربه کشاورزی مدیر نشان‌دهنده این مطلب است که با افزایش تجربه مدیر، میزان موفقیت کسب و کار او نیز بیشتر می‌شود. این یافته با نتیجه مطالعه Man et al. (2002) همسو می‌باشد. رابطه معنی‌دار و مثبت بین تعداد اعضای خانوار مدیر و موفقیت کسب و کارها نیز نشان از این دارد که با افزایش اعضای خانوار و استفاده از آنها به عنوان نیروی کار مجانی بر میزان موفقیت این کسب و کارها نیز افزوده می‌شود. همانگونه که رابطه مثبت و معنی‌دار بین تعداد نیروی کار شاغل در کسب و کار و موفقیت آنها نیز به اثبات رسید. این یافته‌ها با نتایج حاصل از مطالعات انجام شده توسط Brown et al. (2005) و Yadollahi et al. (2009) مطابقت دارد.

بین میزان وام دریافتی جهت احداث و یا گسترش کسب و کار با میزان موفقیت آن رابطه مثبت و معنی‌داری مشاهده گردید که نشان از افزایش موفقیت کسب و کار همراه با افزایش دسترسی به منابع مالی است (Rogoff et al. (2004) و Brown et al. (2005) و Aminaghaei (2009) و Yadollahi et al. (2009)).

جهت بررسی این موضوع که کدام یک از متغیرهای توضیحی بر روی متغیر وابسته تأثیر بیشتری نسبت به سایر متغیرها دارند، از ضریب رگرسیون استاندارد (Beta) استفاده شد. از آنجا که مقادیر Beta، استاندارد شده می‌باشند، از طریق آن می‌توان در مورد اهمیت نسبی متغیرها قضاوت کرد. بزرگ بودن مقدار Beta نشان دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیشگویی متغیر وابسته می‌باشد. بنابراین، براساس جدول (۴) می‌توان قضاوت کرد که متغیر تجربه کشاورزی مدیر با دارا بودن مقدار Beta استاندارد ۰/۳۷ به مراتب سهم بیشتری در مقایسه با سایر متغیرها در پیشگویی میزان موفقیت دارد، زیرا یک واحد تغییر در انحراف معیار آن باعث می‌شود تا انحراف معیار متغیر وابسته به اندازه ۰/۳۷ تغییر کند. به همین ترتیب متغیرهای مقدار وام دریافتی با ضریب استاندارد ۰/۲۹ و تعداد اعضای خانوار مدیر با ضریب استاندارد ۰/۲۵ در رده‌های بعدی تأثیرگذاری بر موفقیت کسب و کارها قرار داشتند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ایجاد و توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط، به عنوان سیاستی مهم در ایجاد مشاغل جدید، تسریع در بهبود اوضاع اقتصادی و رشد کشورها محسوب می‌گردد و به این دلیل است که باید توجه ویژه‌ای به کسب و کارهای کوچک و متوسط شود. زیرا کسب و کارهای کوچک و متوسط قادر هستند که خود را با محیط امروزی وفق دهند و هم اینکه ساختار آنها امکان تطبیق با تغییرات و تحولات گسترده و همه جانبه را امکان‌پذیر ساخته و حفظ و بقایشان را فراهم می‌آورد. با توجه به اهمیت موضوع تحقیق حاضر به شناسایی و معرفی عوامل مؤثر بر موفقیت کسب و کارهای زراعی و

فعالیت کسب و کار مربوطه نیز برخوردار باشند. آنچه که نتایج نشان داد حاکی از نقش مهم و تعیین کننده مقدار وام در موفقیت بنگاهها بود. لذا با عنایت بر این موضوع پیشنهاد می‌گردد که دولت طرح‌هایی که نیاز به وام بیشتر و در عین حال به تولید و درآمد بیشتر منجر شود در اولویت قرار دهد. ضمن اینکه باید به مقدار وام واگذار شده به متقاضیان و نحوه استفاده و به‌کارگیری آن نظارت مستقیم داشته باشد و از اعطای وام به طرح‌های خیلی کوچک با بهره‌وری پایین خودداری نماید. همچنین، پیشنهاد می‌شود که با انجام کار کارشناسی، با توجه به نیاز هر یک از کسب و کارها تناسب بین وام پرداختی و نوع فعالیت بنگاه رعایت گردد.

به دلیل بالا بودن تعداد اعضای خانوار مدیران کسب و کارهای مورد مطالعه و نقش و اهمیت این نیروی کار خانوادگی در کاهش هزینه‌های یک کسب و کار، بهتر است کسب و کارهایی ایجاد و گسترش یابند که بیشتر کاربر بوده و به نیروی انسانی بیشتری نیازمندند. چرا که با این امر خیل زیادی از افراد خانوار در زمره نیروی کار خانوادگی جا گرفته و از مزایای آن بهره‌مند شده و اشتغال در منطقه نیز از این طریق افزایش می‌یابد.

با توجه به رابطه معنی‌دار و منفی بین فاصله محل احداث کسب و کارهای مورد مطالعه با موفقیت آنها، با توجه به محصول این نوع کسب و کارها که بیشتر از نوع محصولات فسادپذیر می‌باشند؛ پیشنهاد می‌شود که با در نظر گرفتن درجه فسادپذیری و اهمیت دسترسی به بازار در محصولات این نوع کسب و کارها، به احداث آن‌ها در روستاهای نزدیک به شهر توجه ویژه گردد تا دسترسی به بازار مصرف محصولات آن‌ها با سهولت بیشتری انجام گیرد.

رابطه مثبت و معنی‌دار بین میزان تحصیلات مدیران با موفقیت کسب و کارهای زراعی و باغی نیز نشان از افزایش میزان موفقیت این کسب و کارها با افزایش سواد مدیران آن دارد. رابطه مثبت و معنی‌دار بین سن مدیر و موفقیت کسب و کارها نشان‌دهنده این است که مدیران با سن بیشتر به دلیل کسب تجربه بیشتر در موفقیت کسب و کار خود موفق‌تر عمل نموده‌اند. همانگونه که در تحقیق Aminaghaei (2009)، نقش تحصیلات مدیر در موفقیت کسب و کارها به اثبات رسیده است.

علاوه بر این، نتایج تحقیق نشان داد که رابطه معنی‌دار و منفی بین فاصله محل ایجاد کسب و کار و مقدار سطح زیرکشت با موفقیت کسب و کارها وجود داشت و نشان از آن دارد که هرچه فاصله کسب و کار از شهر بیشتر و دسترسی آن به بازار فروش محصول افزایش یابد میزان موفقیت نیز کمتر می‌باشد. تحقیق Yadollahi et al. (2009) نیز رابطه منفی بین محل احداث کسب و کار تا بازار محصول با موفقیت کسب و کارها را تأیید می‌نماید. در خصوص مقدار سطح زیرکشت و رابطه منفی آن با موفقیت کسب و کارها نیز می‌توان گفت که هر چه میزان سطح زیرکشت بیشتر باشد مدیریت و نظارت بر کسب و کار کمتر شده و از میزان موفقیت آن نیز کاسته می‌شود.

با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر بیان می‌گردد:

با توجه به معنی‌داری تحصیلات و تجربه کار کشاورزی مدیر و رابطه مثبت آن با موفقیت کسب و کارهای مورد مطالعه، بهتر است در تخصیص اعتبارات به طرح‌های زراعی و باغی، به تجربه عملی متقاضی در زمینه کشاورزی و تحصیلات وی بیشتر توجه شود و کسانی در اولویت قرار گیرند که ضمن اینکه از تحصیلات بالاتری برخوردارند از تجربه کافی در خصوص

REFERENCES

1. Alizademarznaki, A. (2008). Facility Impact of quick impact firms in the economy. *Proceedings of the Second International Conference on consultants and money managers*, IRIB International Conference Center, pp 1-18.
2. Aminaghaei, M. (2009). Factors affecting the performance of small industries in rural development professionals. *Journal of Rural & Development*, 11(4), 125-146. (In Farsi).

3. Brown, J.D., Earle, J.S. & Lup, D. (2005). What Makes small Firms Grow? Finance, Human Capital, Technical Assistance, and the Business Environment in Romania. *Economic Development and Cultural change*, (54), 33-70.
4. Hajji, R. & Pasebani, M. (2009). UNIDO industrial cluster development approach in the study of SME: case study of automotive parts manufacturers in East Azarbaijan province. *Journal of Industrial Administration*, 4(8), 31-53. (In Farsi).
5. Karpak, B. & Topcu, Ilker. (2010). Small medium manufacturing enterprises in Turkey: An analytic network process framework for prioritizing factors affecting success. *International Journal of Production Economics*, Vol. 125, 60-70.
6. Khoshnodifar, Z., Sokhtanlo, M. & Malekmohammadi, I. (2010). Bank of Agriculture and Agricultural Organization performance impact on the success rate of small businesses and medium entrepreneurs in agricultur. *Journal of Agricultural and Development Economics*, 18(72), 139-160. (In Farsi).
7. Kia, M. (2006). *Entrepreneurship education literature, especially of industrial applications*. Sepas publication. (In Farsi).
8. Man, T.W.Y., Lau, T. & Chan, K.F. (2002). The competitiveness of small and medium enterprises a conceptualization with focus on entrepreneurial competencies. *Journal of Business Venturing*, 17 (2), 123- 142.
9. Nasehifar, V., Saadat, M. & Abbasi, Z. (2010). Identifying regional capability of small and medium enterprises. *Journal of Commerce*, 6(14), 60-72. (In Farsi).
10. Rogoff, E.G., Lee, M. & Suh, D. (2004). Who done it? Attributions by entrepreneurs and experts of the factors that cause and impede small business success. *Journal of Small Business Management*, 42 (4), 364-376.
11. Shabanzadeh, M. (2011). *Effectiveness of quick impact on agricultural credit agencies: A case study city of Babylon*. Master's thesis, University of Mashhad, Iran. (In Farsi).
12. Shokoei, H. (2005). *New ideas in philosophy, geography, philosophy, environmental and geographic School* (Vol 2). Tehran: Gytashnasy. (In Farsi).
13. Yadollahi, J., Aghajani, H. & Aghajani, A. (2009). Internal factors affecting the performance of SMEs and provide an effective model. *Journal of Management*, 6(14), 12-28. (In Farsi).